

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۳/۲۱

یعقوب آژند^۱

زندگی و کارستان هنری میرزا محمد‌های

چکیده

مهم‌ترین فرضیه‌ای که نگارنده را وادار به نگارش مقاله حاضر کرد، این بود که میرزا محمد‌های، نقاش و مذهب سده دوازدهم هجری، برخلاف تصور برخی از هنرپژوهان که او را دو تن فرض کرده‌اند یک تن بیشتر نبوده، و تنها در مقایسه با همسالانش اندکی بیشتر عمر یافته و بیش از نود سال زیسته است. نگارنده با این فرضیه و اثبات آن، از سه اشاره منابع مکتوب و تصویری بهره گرفته است، تا سه دوره از زندگی او یعنی دوران جوانی، میان‌سالی و کهن‌سالی را روشن و شفاف سازد. بر این محور بود که دوران جوانی و یا دوره شاگردی او نزد علی اشرف در سال‌های دهه پنجاه سده دوازدهم هجری از لابه‌لای رقم‌های متعدد وی بررسی شد و میزان فعالیت وی در زمان استادش علی اشرف و همکاری‌اش با وی در فراهم کردن مرقع میرزا مهدی‌خان استرآبادی مورد بررسی قرار گرفت. دوره میان‌سالی او هم با اشاره رستم‌الحکما در کتابش که او را از هنرمندان دربار کریم‌خان زند می‌نامد تفحص شد و حدود همکاری او در پدید آوردن مرقع E.14 سن پترزبورگ با همکاری نقاشان هم‌دوره‌اش محمدصادق و محمدباقر مشخص گردید. محمد‌های در این دوره در دیوارنگاری‌های عمارت‌های کریم‌خانی در شیراز مشارکت داشت. کیفیت و چگونگی زندگی هنری کهن‌سالی او با مراجعه به اشاره کلودیوس جیمز ریچ از مأموران کمپانی هند شرقی در شیراز بررسی گردید و این نتیجه به‌دست آمد که محمد‌های از نقاشان نیمه دوم سده دوازدهم هجری است، که دامنه فعالیتش تا سال‌های نخستین دوره قاجار کشیده شد و به قدری در هنر و صنعت خود شهرت داشت و به اندازه‌ای پایبند اخلاقیات شغل و پیشه خود بود که در بین مردم به نوعی اشتهار قداست دست یافته بود.

کلیدواژه‌ها: محمد‌های، علی اشرف، مرقع میرزا مهدی‌خان استرآبادی، مرقع E.14، کلودیوس جیمز ریچ.

۱. استاد دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران

E-mail: Y_azhand@yahoo.com

۱- سایه روشن زندگی محمد‌های (الف) درآمد

درباره زندگی محمد‌های، نقاش سده دوازدهم هجری، سه اشاره اساسی وجود دارد که با مراجعه به آنها می‌توان سه دوره از زندگی او را تا حدودی بازسازی کرد. پیش از ورود به این سه دوره از زندگی وی، مختصری درباره فرضیه‌های محمدعلی کریم‌زاده تبریزی در کتاب احوال و آثار نقاشان قدیم ایران که درخصوص محمد‌های ابراز داشته است، ذکر می‌گردد. او محمد‌های را دو نفر فرض کرده و آنها را محمد‌های اول و دوم نامیده است. فرضیه او، هنرپژوهان دیگر را نیز به پیروی از وی واداشته است. مثلاً روئین پاکباز در دایره المعارف هنر از این دو محمد‌های صحبت کرده است (۱۳۷۸، ۵۲۲)؛ و یا جهانگیر شهدادی در کتاب گل و مرغ، قاطعانه از محمد‌های اول و دوم دفاع کرده است (۱۳۸۴، ۲۴۳-۲۳۹).

به نظر نگارنده، کریم‌زاده تبریزی با همه اطلاعات ارزنده‌ای که درباره این دو محمد‌های و به‌ویژه آثارشان آورده، در اینکه آنها را دو هنرمند مجزا فرض کرده دچار اشتباه شده و دیگران را نیز به اشتباه انداخته است. او مبنای این دوگانگی را برخی تاریخ‌ها و نام‌های آمده در آثار محمد‌های قرار می‌دهد، و به‌ویژه محمد‌های را از نقاشان قرن سیزدهم هجری می‌نامد و فرضیاتی ذهنی - و نه مبتنی بر اسناد و شواهد - پیش می‌کشد. او در ارائه فرضیات هم دچار تناقض می‌شود. در جایی نوشته است که محمد‌های دوم در زمان مرگ محمد‌های اول جوان ۲۰ساله‌ای بوده (کریم زاده تبریزی/ ۳، ۱۳۷۰، ۱۱۰۰) و بلافاصله در صفحه بعد اذعان می‌دارد که «متأسفانه سال تولد و وفات وی بر ما معلوم نیست» (همان، ۱۱۰۱). اگر سال تولد و وفات وی بر ما معلوم نیست پس مبنای بیست‌سالگی او در زمان مرگ محمد‌های اول چیست؟

از اینها گذشته، کریم‌زاده تبریزی آخرین اثر محمد‌های دوم را در سال ۱۲۴۶ هجری می‌نویسد که جای تردید دارد، چون طبق نوشته خود وی، کلودیوس جیمز ریچ [۱] محمد‌های را در سال ۱۳۳۶ هجری ملاقات کرده و بر سالخوردگی وی تأکید ورزیده است، و اینکه «این هنرمند دیگر کار نمی‌کند» (همان، ۱۱۰۰). اگر محمد‌های در سالخوردگی بوده و کار نمی‌کرده، به چه‌سان ده سال پس از این ملاقات، قلمدان گل و مرغ سال ۱۲۴۶ هجری را کار کرده است؟ این تناقض‌ها و دیگر برداشت‌های رمانتیک کریم‌زاده تبریزی که با تاریخ وقایع این دوره چندان هم‌خوانی ندارد، و به‌ویژه نادیده گرفتن وقایع تاریخی دوره زندگی محمد‌های، فرضیات او را با تشکیک‌هایی مواجه می‌سازد [۲].

افزون بر اینها، کریم‌زاده تبریزی در جلد دوم کتاب خود از نقاشی با عنوان «محمد نقاش - شاگرد علی اشرف» نام می‌برد و برای او اطلاعات توصیفی مجزایی رقم می‌زند (کریم زاده تبریزی/ ۲، ۱۳۶۹، ۶۱۵). در حالی که به‌نظر نگارنده، این «محمد نقاش» کسی جز محمد‌های نیست که از قرار معلوم، در اوایل زندگی‌اش از نام اولش محمد نیز استفاده کرده و سجع رقمی را برای خود ترتیب داده است؛ یعنی: «صنع محمد ز علی اشرف است». با این رقم تنها یک اثر از وی باقی مانده، که همان قاب آینه‌ای است که در موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود و از سبک نوشتاری رقم او و نیز نقوش گل و مرغ و برگ و بتة رویه و پشت این قاب آینه پیداست که از زیر دست محمد‌های بیرون آمده و از قلم هنرمندی واحد تراوش کرده است.

در ادامه مقاله، شرح داده می‌شود که محمد‌های دستی در تذهیب و تحریر داشته و خط زیبایی او از رقم‌زنی‌هایش آشکار است و بعید نیست که گاهی هم به کتابت می‌پرداخته است. مهارت او



تصویر ۱. تشعیر خط میرعماد، کار محمد هادی، مرقع E۱۴، سن پترزبورگ

در طلاافشانی و حل‌کاری و تذهیب بیشتر بر کتابت و خطاطی متمرکز بوده است. اینها باعث شده که وی را ملقب به لقب «میرزا» بکنند که خاص کاتبان و دبیران و مذهبان بوده است.

فرضیه نگارنده در این جستار مبتنی بر این است که محمدهادی یک نفر هنرمند بیش نیست که همچون هم‌دوره‌های خود، محمدصادق و محمدباقر، در محضر علی‌اشرف شاگردی کرده و عمری طولانی یافته و افزون بر نود سال زیسته است.

ب) اشاره نخست: دوره جوانی

اشاره نخست درباره محمدهادی از رقم‌های او بر پای آثارش مستفاد می‌شود. او در آثارش دو رقم مسجع دارد و چند رقم غیرمسجع. دو رقم مسجع او ظاهراً متعلق به ایام جوانی اوست، یعنی دوره‌ای که نزد علی‌اشرف شاگردی می‌کرده است. این دو رقم عبارت‌اند از: «هادی از لطف علی‌اشرف شد»

و «صنع محمد ز علی‌اشرف است». این دو رقم به غیر از مفهوم مذهبی که در آنها مضمّن است، اشاره به استاد او علی‌اشرف دارد. محمدهادی در این دو رقم مسجع از دو نام خود یعنی «محمد» و «هادی» استفاده کرده است. می‌دانیم که علی‌اشرف از نقاشان برجسته سده دوازدهم هجری است که در گل و مرغ‌سازی و نقاشی زیرلاکی مهارتی تام داشت و شاگردان چندی از جمله محمدصادق، محمدباقر و محمدهادی را تربیت کرد.

علی‌اشرف از طایفه افشار اورمیه و برادر اللهوردی، نقاش اوایل دوره قاجار و عموی آقا ابوالحسن نقاشباشی افشار ارموی بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ۲۹۶). رقم علی‌اشرف یا سجع «ز بعد محمد علی‌اشرف است» می‌رساند که وی در نزد محمدعلی بن محمد زمان و یا محمدعلی بن ابدال بیک نقاشباشی شاگردی کرده است. گفتنی است که علی‌اشرف در نقاشی زیرلاکی بر روی قلمدان‌ها، قاب آینه‌ها، جعبه‌ها و جلد‌ها مهارت و تبحر داشت و به‌ویژه در سبک گل و مرغ‌سازی زبردست بود و این فن را به شاگردان خود منتقل کرد. از جمله آثار برجسته وی ترتیب مرقعی برای میرزا مهدی‌خان استرآبادی، منشی و دبیر نادرشاه، در سال‌های ۱۱۴۷ تا ۱۱۵۱ هجری بود که امروزه در موزه ارمیتاژ روسیه نگهداری می‌شود. در این مرقع افزون بر آثار علی‌اشرف، بعضی از آثار شاگردان او یعنی محمدصادق، محمدباقر و محمدهادی نیز دیده می‌شود، و محمدهادی در جلدآرایی این مرقع در کنار استادش بود.

نخستین اثری که محمدعلی کریم‌زاده تبریزی از محمدهادی نام می‌برد، قلمدان تابوتی شکلی است که با اندازه ۶*۲۵ سانتی‌متر در بردارنده تذهیب‌های قرینه‌ای و زمینه عنابی و رقم «رقم بنده محمدهادی ۱۴۸» است و کریم‌زاده آن را سال ۱۱۴۸ هجری خوانده است. اگر این رقم را همان سال ۱۱۴۸ هجری بدانیم، می‌توانیم تولد محمدهادی را در اوایل دهه چهل سده دوازدهم



تصویر ۲. گل زنبق، کار محمدهادی، مجموعه خصوصی

هجری فرض کنیم که در سال ۱۱۴۸ هجری نزد علی اشرف شاگردی می‌کرده و در کنار هنرمندان دیگر نظیر محمدصادق و محمدباقر در گردآوری مرقع میرزا مهدی‌خان استرآبادی مشارکت داشته است.

این را نیز می‌دانیم که معمولاً شاگرد را در هفت سالگی به استاد می‌سپردند تا او را تربیت کند، و شاگرد تا هنگامی که به سن بلوغ جسمی و هنری می‌رسید بخش عمده‌ای از زندگی‌اش را وقف هنرش می‌کرد و تا آن زمان درصداً بالایی از مهارت هنری‌اش را کسب کرده بود. مثال بارز در این زمینه، زندگی هنری میرزا ابوالحسن مستوفی غفاری (میرزا حسن) در این دوره است که طبق اشاره خویش از هفت سالگی به‌طور لاینقطع به مدت ده سال نزد استادش به فراگیری نقاشی پرداخته است (ابوالحسن غفاری، ۱۳۶۹، ۲۸).

به‌نظر می‌رسد که محمدهادی در زمان شاگردی خود نزد علی اشرف، همچون استادش،

دو رقم سجع‌دار برای خود برگزیده بود و در این دو رقم از دو اسم «محمد» و «هادی» استفاده می‌کرد. همان‌گونه که محمدصادق هم برای نشان دادن زنجیره استادی خویش از رقم «صادق از لطف علی اشرف شد» و نیز محمدباقر از رقم «باقر از لطف علی اشرف بود» استفاده می‌کردند. از قراین پیداست که شاگردی این سه تن نزد علی اشرف هم‌زمان بوده و با یکدیگر معاشرت داشته‌اند. آنچه محمدهادی در دوره شاگردی از علی اشرف فراگرفته، تذهیب و تشعیر و انواع فنون و شگردهای طلافشانی و حل‌کاری و گل و مرغ‌سازی با فن نقاشی زیرلاکی بوده است. از دوره شاگردی وی نزد علی اشرف، قاب آینه کوچکی باقی مانده است که تشعیری ماهرانه دارد و در داخل شمسه درهای سه‌گانه آن، تصاویر یک زن و مرد جوان، یک زن تنها و زنی در حال کتابخوانی دیده می‌شود و در رقم آن با خط رقاع آمده است: «در دارالسلطنه اصفهان، رقم کمترین محمدهادی ۱۱۵۰» (کریم زاده تبریزی/۳، ۱۳۷۰، ۱۰۹۹).

محمدهادی تصاویر فرنگی‌سازی را نیز از روی تصاویر چاپی اروپایی که در آن زمان به فراوانی وارد ایران می‌شد، فراگرفت، و بعدها بر روی آثار قلمدان و قاب آینه به‌کار می‌برد. از جمله یکی از آثار دهه پنجاه سده دوازدهم هجری او، فضایی رویایی از تصاویر چاپی اروپایی را به نمایش می‌آورد و فرشته کتاب به‌دستی را در کنار فرشتگان دیگر به تصویر می‌کشد، که عده‌ای از زمینیان نظاره‌گر آنها هستند و دورنمای شهری نیز در تصویر دیده می‌شود. محمدهادی آن را در جمادی‌الثانی سال ۱۱۵۹ کشیده و از آنجا که اثری تقلیدی بوده، در رقم آن از رقم «مشق شد» استفاده کرده است (همان، ۱۰۹۸).

محمدهادی در اکثر آثارش از رقم «کمترین» استفاده کرده و به‌گواه آثارش تا آخر عمر آن را به‌کار برده است. تاریخ ۱۱۵۹ هجری که در اثر محمدهادی ثبت شده است، از نظر تاریخی با



تصویر ۳: گل زنبق، منسوب به محمدهادی، مجموعه ناصر خلیلی

دوره نادرشاه تطابق دارد. نادر یک سال بعد، یعنی در ۱۱ جمادی‌الآخر ۱۱۶۰ کشته شد و ایران در فتور و ناپایداری سیاسی افتاد. شماری از مدعیان قدرت به هم برآمدند تا اعتباری کسب کنند و قدرتی به هم بزنند. کریم‌خان زند، از سران سپاه نادر، مسیر حوادث را به نفع خود برگرداند و عرصه را بر رقیبان تنگ کرد، و در نهایت در سال ۱۱۶۴ هجری به نام شاه اسماعیل سوم صفوی و به کام خود قدرت را قبضه کرد، و به‌ویژه از سال ۱۱۷۶ هجری در شیراز حکومت مستقلی درانداخت و تا سال ۱۱۹۳ هجری سلطنت کرد.

به نظر می‌رسد که محمدهادی در دهه ۱۱۶۰ هجری که آشفته‌بازار قدرت‌طلبی گرم بود، همراه محمدصادق و محمدباقر از استاد خود علی‌اشرف در اصفهان جدا شد. علی‌اشرف به آذربایجان رفت تا چندی را نزد حکمرانان دنبلی خوی زندگی کند. محمدهادی همراه دوستانش سرانجام از دربار کریم‌خان زند سر درآورد و از اینجا به بعد مرحله دوم زندگی هنری او که دوره میان‌سالی وی نیز هست، آغاز شد.

ج) اشاره دوم: دوره میان‌سالی

اشاره دوم به محمدهادی در منابع، به مطالب صاحب «رستم التواریخ» درباره هنرمندان دربار کریم‌خان زند برمی‌گردد که در آن از محمدهادی با عنوان میرزا محمد نام می‌برد. او می‌نویسد: «دیگر آنکه در این عصر پسندیده، خلاق در آن آرمیده، نقاشان زیبانگار و مصوران شیرین‌کار بوده‌اند. از آن جمله عالی‌شأنان آقا زمان، آقا باقر، آقا صادق، میرزا حسن و میرزا محمد که هر یک در نقاشی و مصوری مانی ثانی بلکه به هزار درجه بالاتر از مانی بوده‌اند» (رستم‌الحکما، ۱۳۵۳، ۴۱۰).

در این عبارت منظور از آقا زمان، محمد زمان دوم؛ آقا باقر، محمد باقر؛ آقا صادق، محمد صادق؛ میرزا حسن، میرزا ابوالحسن مستوفی غفاری؛ و میرزا محمد، محمدهادی است. در ادامه مقاله نیز روشن خواهد شد که کلودیوس جیمز ریچ در ملاقات با محمدهادی او را میرزا هادی نامید.

به نظر می‌رسد که محمدهادی از سال ۱۱۷۰ هجری به بعد فعالیت هنری‌اش را در دربار شیراز شروع کرد، و در زمره هنرمندان دربار کریم‌خان درآمد و در شماری از پروژه‌های هنری کریم‌خان در شیراز مشارکت کرد. از آنجا که تخصص محمدهادی بیشتر در تذهیب و طلاافشانی و حل‌کاری و گل و مرغ‌سازی بوده، بعید نیست که در تزئین دیواره‌های عمارت کریم‌خانی و به‌ویژه در دیوارنگاری‌های آنها مشارکت داشته است. شاید اشاره محمد صادق نامی در کتاب «تاریخ گیتی‌گشا» مبنی بر اینکه «نقاشان بدایع‌نگار صنع بی چون به رنگ‌آمیزی قلم قدرت بناهای روح‌افزای گلشن و گلزار را به اقسام گل‌های رنگین و انواع ازهار و ریاحین مشحون فرمودند»

(۱۳۶۳، ۱۵۹)، موقوف به هنرنمایی هنرمندانی چون محمد‌های در عمارت دیوانخانه و کلاه فرنگی مجموعه کریم‌خانی بوده است. حتی اشاره رستم‌الحکا در این زمینه بیشتر با تخصص و آثار محمد‌های مقارنت دارد تا هنرمندان دیگری همچون محمدصادق و محمدباقر که بیشتر نقاشی‌های دیواری می‌کشیدند: «با طلای ناب خلاصی و لاجورد و بدخشانی، مصوران آموزگار و نقاشان شیرین‌کار به صورت‌های جان‌فزا و نقش و نگارهای دلربا مصور و منقش نمودند» (رستم‌الحکا، ۱۳۵۳، ۴۱۴).

به نظر می‌رسد که محمد‌های پیش از آنکه وارد دربار کریم‌خان زند شود، نزد میرزا مهدی‌خان استرآبادی، منشی و وقایع‌نگار دربار نادرشاه کار می‌کرده است. حضور او نزد میرزا مهدی‌خان استرآبادی در فاصله سال‌های ۱۱۶۸ و تا ۱۱۷۲ هجری بوده است. سراغ داریم که میرزا مهدی‌خان استرآبادی سال‌های پس از مرگ نادرشاه همچنان زنده بوده و به تعبیری در خدمت خانان قاجاری به سر می‌برده است (صفا/۲، بخش ۳، ۱۳۷۰، ۸-۱۸۰۷). از آنجا که وی با هنر و تبحر محمد‌های و محمدباقر و محمدصادق آشنا بوده است (چون آنها پیش‌تر در سال‌های ۱۱۵۱-۱۱۴۷ هجری به همراه استادشان علی‌اشرف روی مرقع میرزا مهدی‌خان کار کرده بوده و در جلدآرایی آن مشارکت داشته‌اند) از این رو از آنها دعوت کرده است تا تذهیب و تشعیر مرقع خطاطی وی را به عهده بگیرند.

احتمال تعبیر تاریخی دیگری نیز می‌رود، و آن اینکه مرقع خطاطی میرزا مهدی‌خان پس از مرگ نادرشاه و میرزا مهدی‌خان به دست کریم‌خان افتاده و وی برای تکمیل تذهیب و تشعیر آن از وجود محمد‌های و محمدباقر و محمدصادق بهره جسته است. به هر روی، این سه نفر تزئین و تذهیب این مرقع را در فاصله سال‌های ۱۱۶۸ و ۱۱۷۲ هجری به انجام می‌رسانده و محمد‌های در آنها از رقم‌های مختلف خود استفاده می‌کرده است؛ نظیر: لطف حق هادی مهدی بود؛ شد رقم از کلک هادی زرنشان؛ کمترین محمد‌های؛ کلک هادی نمود رقم؛ رقم بنده محمد‌های (کریم‌زاده تبریزی/۳، ۱۳۷۰، ۱۰۹۸).

می‌توان یقین داشت که محمد‌های پس از اقامت در شیراز در زمان کریم‌خان زند، به خدمت دربار او درآمد و در بیشتر برنامه‌های هنری او در شیراز، و به‌ویژه دیوارنگاری‌های عمارات کریم‌خانی مشارکت می‌ورزید، و در تذهیب و طلاافشانی و حل‌کاری و گل و مرغ‌سازی آنها هنر خود را به نمایش می‌گذاشت. وی در آن زمان در کنار هنرمندان هم‌دوره‌اش محمدصادق، محمدباقر، آقا زمان و میرزا ابوالحسن مستوفی فعالیت می‌کرد. او پس از مرگ کریم‌خان زند در سال ۱۱۹۳ هجری همچنان در شیراز باقی ماند و به کارهای هنری‌اش ادامه داد، ضمن اینکه به تربیت شاگردان نیز اهتمام می‌ورزید.



تصویر ۴. نمای رو و پهلوی قلمدان، کار محمد‌های، مجموعه ناصر خلیلی

د) اشاره سوم: دوره کهن‌سالی

چنین می‌نماید که حضور مداوم محمدهادی در شیراز او را مشهور خاص و عام کرده است. چون اشاره منبع سوم در مورد او، حاکی از این اشتها و احترام همه‌جانبه او در میان ایرانیان است. به نظر می‌رسد که وی بر خلاف هنرمندان هم‌دوره‌اش، یعنی محمدصادق و محمدباقر، به خدمت حکمرانان قاجار درنیامد و یا در این مورد شاهد و سندی وجود ندارد.

درخصوص دوره کهن‌سالی محمدهادی، نوشته کلودیوس جیمز ریچ، نماینده کمپانی هند شرقی بغداد در دست است. او علاقه‌مند به آثار هنری بود، و آنها را گردآوری می‌کرد، و به انگلستان می‌فرستاد. او در تابستان ۱۲۳۶ هجری (۱۸۲۱ میلادی) از بمبئی به خلیج فارس سفر کرد، ولی به سبب بیماری همسرش به ناچار به بمبئی بازگشت. اما گرمای شدید و شیوع بیماری و با مانع از سفر وی شد و به ناگزیر از بوشهر به شیراز بازگشت و چندی را در این شهر گذراند. پس از چند هفته اقامت در شیراز به همسرش نامه‌ای نوشت و در این نامه به ملاقاتش با میرزا محمدهادی اشاره کرده بود. به اشاره او در نامه‌اش توجه می‌کنیم:

«چند لحظه پیش میرزا محمدهادی به دیدار من آمد. او برجسته‌ترین هنرمند ایران است. این افتخار را مرهون آن می‌دانیم که شنیده بود دوستدار نقاشی هستم و پاره‌ای از کارهای او را تحسین کرده‌ام. یک خان و یکی دو تن از شاگردان برگزیده‌اش را به همراه آورده بود. ایرانیان برای او اشتها تقدسی قائل‌اند. پیرمرد تیزهوش، مؤدب و نجیبی به‌نظم آمد. سرشار از روح هنری‌اش می‌باشد و گل‌ها را عاشقانه دوست دارد. این وان‌هوایسم ایرانی دیگر کار نمی‌کند و دشوار بتوان قطعه‌ای از اثر قلم او را تهیه کرد، چه ایرانیان آن را به هر بهایی خریداری می‌کنند. او حتی یک نمونه هم برای خودش نگه نداشته است. ولی بخت مساعد سبب شد تا یک قطعه کوچک عالی آن را برایت به‌دست آورم» (نفیسی، نوشین، ۱۳۵۲، ۲۳-۲۴؛ رابینسن، ۱۳۷۹، ۳۶۶).

نوشین نفیسی که این نامه را در شماره ۱۳۰ مجله «هنر و مردم» منتشر کرده، به‌دستی نتیجه گرفته است که «اگر طراح گل‌های مرقع لنین‌گراد [سن پترزبورگ امروزی] همان هنرمند نامه کلودیوس جیمز ریچ باشد، بایستی هنگام این ملاقات متجاوز از نود سال می‌داشته و زندگی فعال هنری او بسیار طولانی بوده است» (همان، ۱۳۵۲، ۳۴).

از نوشته جیمز ریچ نکاتی چند را می‌توان استنباط کرد. او میرزا محمدهادی را از برجسته‌ترین هنرمندان ایران برمی‌شمارد. همگان می‌دانند که این برجستگی چیزی نیست که طی یکی، دو دهه از عمر انسان به‌دست آید، بلکه نتیجه سالیان دراز ممارست و پختگی و پروردگی هنری است که در هنرمندی جمع می‌آید و او را نمونه جامعیت هنرمندان عصر خود می‌کند. از نوشته جیمز ریچ استنباط می‌شود که میرزا محمدهادی پیرمردی سرشار از روح هنری بوده که خود دیگر کار نمی‌کرده است (به سبب کهولت سن یارای کار کردن نداشته) بلکه یکی، دو تن از شاگردان زده خود را همراه داشته است تا کارهایش را به سامان برسانند و یا با تأیید او کارهای هنری را انجام دهند.

از طرف دیگر، شهرت و اعتبار او در کارش تا بدان‌جا بوده است که آثارش را همگان به هر بهایی می‌خریدند، به طوری که حتی یک نمونه هم برای خودش باقی نمانده بوده است. یک نکته دیگر که از نوشته جیمز ریچ مستفاد می‌شود، عشق و علاقه میرزا محمدهادی به گل‌ها بوده است. می‌دانیم گل‌هایی که میرزا محمدهادی کشیده است، از نظر سبک و سیاق و زیبایی و لطافت رنگ‌آمیزی و طراحی در تراز نخست قرار دارد و در مقایسه با اقران خود، حتی استادش



تصویر ۵. رویه بیرونی قاب آینه، کار محمد هادی، مجموعه ناصر خلیلی

علی اشرف، در آنها تازگی و ابداع زیادی دیده می‌شود. پاره‌ای از این مهارت و زبدهی مسلماً بر اثر گذشت ایام و مهارت و ممارست طولانی بوده است. نظری اجمالی به آثار پیشین و پسین او، این پروردگی و پختگی را که حاصل گذران عمرش بوده است، نشان می‌دهد. این شایستگی و سالخوردهگی هنری وی نوعی احترام و اشتیاق توأم با قداست را نزد ایرانیان برای وی به ارمغان آورده است. اصولاً قداست را انسان‌هایی به دست می‌آورند که عمری به کمال برده و کمال انسانی را در رفتار و کردار و گفتار و آثارشان متجلی کرده‌اند.

به نظر می‌رسد که محمد هادی پسری به نام احمد داشته که هنر پدرش را ادامه داده است، چون از سال ۱۲۶۶ هجری قلمدانی در دست است که در رقم آن «عمل احمد بن محمد هادی» آمده و طرح آن نیز از اثر مرحوم علی اشرف تقلید شده است (Diba, 1978, 106).

۲- کارستان هنری محمد هادی

گفتیم محمد هادی نزد علی اشرف، نقاش برجسته زیرلاکی سده دوازدهم هجری، تعلیم دید و شیوه نقاشی زیرلاکی را در قلمدان نگاری، قاب آینه، روی جعبه‌ها و جلدها به خوبی فراگرفت و به ویژه در گل و مرغ‌سازی و تذهیب و گل و بته‌سازی ورزیده شد، و بعضی از آثار اروپایی را نیز به پیروی از تصاویر چاپی اروپایی نقاشی کرد و مهارتش را در پیکرنگاری به نمایش گذاشت. پیاداست که وی برخلاف محمدصادق و محمدباقر - شاگردان دیگر علی اشرف - که علاقه ویژه‌ای به نقاشی از نوع رنگ روغن و یا نقاشی دیواری داشتند، چندان پی‌گیر این نوع نقاشی نبود، بلکه طبع و مهارت هنری‌اش را بیشتر مصروف فراگیری نقاشی زیرلاکی و به ویژه تذهیب و تشعیر و نیز گل و مرغ‌سازی با آبرنگ کرد.

الف) تذهیب و تشعیر

مرقع شماره E.14 که در شعبه انستیتوی مطالعات شرقی آکادمی روسیه در سن پترزبورگ نگهداری می‌شود، در بردارنده ۱۸۸ قطعه خطاطی از میرعماد حسنی و ۲۶ قطعه سیاه‌مشق است (Loukonine and Ivanov, 1996, 186). محمد هادی همراه محمدباقر و محمدصادق حواشی و تشعیرهای بی‌شمار این قطعات را به طرز زیبا و دلنشین و با آب طلا بر روی زمینه لاجوردی اجرا کرده و در بعضی از آن آثار، رقم خود را نیز ثبت کرده است. کریم‌زاده تبریزی دست‌کم شش قطعه از آنها را که دارای نقوش تزئینی زیبا و حواشی و بته و یا نقوش اسلیمی و خطایی و حل‌کاری و زرنشانی است، مشخص کرده و رقم آنها را آورده است. رقم این آثار بدین شرح است:

۱- رقم بنده محمد هادی ۱۱۶۸؛ ۲- شد رقم از کلک هادی زرنشان ۱۱۶۹؛ ۳- کلک هادی نمود رقم ۱۱۷۰؛ ۴- رقم بنده محمد هادی ۱۱۷۱؛ ۵- رقم بنده محمد هادی ۱۱۷۲؛ ۶- هادی از لطف

علی اشرف شد (کریم‌زاده تبریزی/۳، ۱۳۷۰، ۱۰۹۹).

از تاریخ‌های ذکرشده در رقم‌ها پیداست که محمدی‌های حواشی و تشعیر این قطعات را در فاصله سال‌های ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۲ هجری اجرا کرده است. محمدی‌های در یکی از زیباترین آنها پیرامون چهار قطعه زیبا از میرعماد را با گل‌های زیبای خطایی و نقش هراتی یا ماهی تزئین کرده است. میرعماد این سه قطعه را به شیوه چلیپا نوشته است. از اینها گذشته، مرقع خطی‌ای در کتابخانه کاخ گلستان با شماره دفتر ۱۶۲۸ نگهداری می‌شود که دربردارنده نصایح خواجه عبدالله انصاری و «تحفه الوزرا» با کتابت میرعماد حسنی است. محمدی‌های آن را در سال ۱۱۵۰ هجری تذهیب و تشعیر کرده و حواشی آن را با گل و بوته‌های زرین تزئین کرده است (آتابای، ۱۳۵۳، ۶). مرقع دیگری که محمدی‌های در گردآوری و اجرای آن مشارکت داشته، مرقع معروف میرزا مهدی‌خان استرآبادی است، که علی‌اشرف با همکاری شاگردانش محمدی‌های، محمدباقر و محمدصادق در فاصله سال‌های ۱۱۴۷ تا ۱۱۵۱ هجری کار کرده است. جلد این مرقع آکنده از گل‌های زیبا و مرغان غزل‌خوان بر روی گل‌ها و تاریخ اجرای آن ۱۱۴۸ هجری است و علی‌اشرف و محمدی‌های آن را رقم زده‌اند. از اشعار پیرامون این جلد پیداست که برای میرزا مهدی‌خان استرآبادی کار شده است (Diba, 1989, 152؛ همو، ۱۳۷۴، ۲۴۷). افزون بر اینها، کریم‌زاده تبریزی از یک قطعه خطاطی میرعماد نیز یاد می‌کند که در مجموعه خصوصی صمد خورشید نگهداری می‌شود. میرعماد این قطعه را در سال ۱۰۲۴ هجری - یعنی سال پایان عمرش - نوشته و محمدی‌های پیرامون آن را با تشعیری زیبا و تذهیبی دلنشین تزئین کرده و رقم خویش را به صورت «رقم بنده محمدی‌های ۱۱۷۰» در آن نقش زده است (کریم‌زاده تبریزی/۳، ۱۳۷۰، ۱۰۹۹).

ب) قلمدان نگاری، قاب آینه و جعبه و جلد

پیش‌تر گفته شد نخستین اثری که از محمدی‌های در دست است، قلمدانی است به تاریخ ۱۱۴۸ هجری که سابقاً در مجموعه کاخ نیاوران نگهداری می‌شد (Melikian-Chirvani, 1977, P.III). در رقم این اثر عدد ۱ از بین رفته و تاریخ آن را از روی حدسِ قریب به یقین ۱۱۴۸ خوانده‌اند. این قلمدان شکل مستطیل دارد و اندازه آن ۶ × ۲۵ سانتی‌متر است. رویه آن با تذهیب قرینه‌ای تزئین شده و زمینه آن نیز رنگ عنابی است.

کریم‌زاده تبریزی از قلمدان دیگری صحبت می‌کند که تصویر گل و مرغی بر روی آن نقش بسته و در روی آن سه شمسه با تصاویر زنان فرنگی آمده و رقم آن نیز به صورت «راقم کمترین محمدی‌های ۱۲۴۶» ثبت شده بود (کریم‌زاده تبریزی/۳، ۱۳۷۰، ۱۱۰۱). انتساب این اثر به محمدی‌های جای تردید دارد و بعید نیست که از کارهای یکی از شاگردانش باشد که به نام استادش امضا کرده است. چون طبق نوشته جیمز ریچ، محمدی‌های در آن زمان به دلیل کهنولت سن کار نمی‌کرده و شاید هم رخ در نقاب خاک کشیده بوده است، و شاگردانش برای پاسداشت نام و یاد او و یا به دلیل فروش آثار منسوب به او، نام و رقمش را در قلمدان ثبت کرده‌اند. محمدی‌های اغلب از کلمه «رقم» استفاده می‌کرد و نه «راقم».

قلمدان دیگری در مجموعه ناصر خلیلی موجود است که در رقم آن «رقم العبد محمدی‌های» آمده است. روی در و طرفین قلمدان آکنده از نقوش گل و بته سنتی ایران و بیشتر نقش هراتی و زمینه آن مشکی است. جوانب آن نیز با نقوش طلایی در یک زمینه تزئین یافته است (خلیلی، ۱۳۸۶، ۱۰۴-۱۰۵).



تصویر ۶. تشعیر خط میر عماد، کار محمدهادی، مرقع E14، سن پترزبورگ

کریم‌زاده تبریزی از قاب آینه‌ای یاد می‌کند که با تعمیری نامناسب تاریخ آن را تغییر داده بودند و در سه شمسۀ این قاب آینه تصویر زن و مردی جوان، یک زن تنها و زنی در حال مطالعه نقش بسته بود و در رقم آن «در دارالسلطنه اصفهان رقم کمترین محمدهادی ۱۱۵۰» ثبت شده بود (کریم زاده تبریزی/۳، ۱۳۷۰، ۱۰۹۹). پیداست که این اثر از نخستین آثار محمدهادی بوده است. یک جعبه گرد به قطر ۷/۲ و ارتفاع ۲/۵ سانتی‌متر در موزه ارمیتاژ سن پترزبورگ وجود دارد که در آن رقم «کمترین محمدهادی» با آب زر در کنار حاشیۀ درپوش نقش بسته است. نقش گل‌های سرخ و غنچه‌ها و برگ‌ها یا زمینه عنابی و به گونه دایره‌وار روی جعبه را تزئین کرده است. اعتقاد بر این است که محمدهادی این جعبه را پس از سال ۱۱۷۳ هجری کار کرده، چون وی در آن سال‌ها از آب طلا و زرافشانی بیشترین بهره را می‌گرفته است (آدامووا، ۱۳۸۶، ۲۱۹).

یک قاب آینه به تاریخ ۱۲۰۲ هجری با نقش

گل‌های سرخ و برگ‌ها و پرندگان رنگارنگ با زمینه‌ای به رنگ کاهی از آثار متأخر محمدهادی است (کریم زاده تبریزی/۳، ۱۳۷۰، ۱۱۰۱). یک جعبه انفیهدان مینایی از کارهای محمدهادی در حراج ساتبی فروخته شد که بر روی آن صحنۀ شکار نقش بسته بود، با جوانی سوار بر اسب و غزالی در حال فرار و یک سوارکار دیگر با تفنگی در دست که آماده شکار بود. بر دیواره جعبه نیز پیرمردی با ریش سفید و چپقی بلند در دست نقش بسته بود. در طرف دیگر جعبه، مردی جوان با محاسنی سیاه و کلاه کریم‌خانی بر سر و کلیجه آبی بر تن و لوله کاغذی به دست، دست به سینه ایستاده بود. داخل ترنج‌های جعبه هم آکنده از نقوش گل و برگ بود. در میان یکی از ترنج‌ها تصویر خنیاگری به شیوه قاجاری و زنگوله‌ای به دست در حال رقص بود. در بخش فوقانی جعبه هم نقش دو مرغابی زیبا و دو غزال رعنا دیده می‌شد. در این جعبه رقم محمدهادی آسیب دیده و تنها کلمه هادی آن قابل رؤیت بود (همان، ۲-۱۱۰۱).

از محمدهادی جلدهایی هم در دست است که تزئین یافته‌اند. یکی از آنها جلد روغنی فرسوده‌ای است که در حراج ساتبی لندن به فروش رفت. بر روی جلد، تصاویر گل و مرغ در یک طرف و تصاویر جماعتی در حال صحبت در طرف دیگر نقش بسته بود و رقم «محمدهادی» داشت (همان، ۱۱۰۱). یک جلد دیگر از محمدهادی موجود است که دیوان حافظ را در بر گرفته و تصویر دختری زیبا با تنبکی در بغل در آن دیده می‌شود. در مقابل دختر هم تصویر یک گربه و یک کودک در حال بازی با خروس و ظرفی پر از میوه و درختی بلندبالا در زمینه تصویر به چشم می‌خورد و رقم آن «یا هادی سنه ۱۲۳۰» بود (همان، ۱۱۰۱).

در مجموعه ناصر خلیلی یک جلد دیگر از محمدهادی موجود است که به نسخه‌ای از مثنوی یوسف و زلیخا تعلق دارد. کتابت این نسخه بر عهده سیدعلی حسینی بوده که در چهارشنبه ۵

شوال ۱۲۳۴ به اتمام رسیده ولی از رقم محمد‌های پیداست که جلد آن در سال ۱۲۳۰ هجری کار شده است. روی جلد، طرحی بسیار زیبا از گل‌های سرخ با زمینه قهوه‌ای روشن همراه با نوارهایی در حاشیه با گل‌های ریز طلایی در زمینه مشکی است. در دو طرف آستر جلد نیز گل زنبق زیبایی نقش بسته است (خلیلی، ۱۳۸۶، ۱۴۰). به نظر می‌رسد که این جلد همراه جلد نسخه دیوان حافظ از آخرین آثار محمد‌های بوده باشد، چون طبق نوشته جیمز ریچ که در سال ۱۲۳۶ هجری با او ملاقات کرده، وی به دلیل کهولت سن کار نمی‌کرده است.

گفتنی است که عبدالعلی ادیب برومند در معرفی نسخه «تاریخ جهانگشای نادری» که در شماره ۱۸۸ مجله «هنر و مردم» نوشته، معتقد است: «جلد این کتاب گل و بوته زرین با حواشی زرنشان است و به‌طور مسلم از کارهای نگارگر و زرنشان‌ساز و مذهب دوران نادر یعنی محمد‌های می‌باشد» (۲۵۳۷ [۱۳۵۷]، ۴۵).

ج) گل و مرغ

اشاره جیمز ریچ به اینکه میرزا محمد‌های عاشق گل‌ها بوده، در آثار گل و مرغ او به‌عینه ظاهر شده است. آثار بازمانده از محمد‌های، چه در تذهیب و تشعیر و چه در گل و مرغ‌سازی بر روی آثار لاک‌ی و یا آبرنگ، نمونه‌ای از قوت و ابداع و خلاقیت هنری اوست و پیداست که وی با غالب فنون هنری آشنا بوده و از آنها در آثار خود کمال بهره را گرفته است. کیفیت بیان هنری او در گل‌های گوناگون، حاکی از مطالعه و ارزیابی دقیق آنها در طبیعت بوده تا آنجا که توانسته است لطافت و بافت و ظرافت طبیعی آنها را با روشنی و همواری القا کند. گل‌های سرخ و زنبق و نرگس و خشخاش و میخک و برگ‌ها و بته‌های آنها همراه با رنگ‌بندی‌های دقیق، جلوه‌های چشم‌نوازی پدید آورده و طبع هنرپسند ایرانیان را به کمال ارضا کرده است. از آثار باقی‌مانده او در گل و مرغ‌سازی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ۱- تصویری از گل خشخاش و گل هلو در زمینه‌ای طلایی با رقم «لطف حق هادی مهدی بود».
- ۲- تصویر گلی زیبا و یا به تعبیر رابینسن، گل نرگس با ساقه‌ای پربرگ که در نمایشگاه نقاشی‌های ایران در موزه ویکتوریا و آلبرت در سال ۱۹۶۷ م. به نمایش درآمد و در آن رقم «کمترین محمد‌های» نقش بسته بود (Robinson, 1967, 95). نوشین نفیسی تصویر این گل را در شماره ۱۳۰ مجله «هنر و مردم» صفحه ۲۳ منتشر کرده است. ۳- تصویر گل سرخ با اسلوب سیاه‌قلم همراه با کاربرد شیوه‌پرداز و سایه‌پردازی پرمایه و رقم «کمترین محمد‌های». ۴- یک شاخه گل شکوفا همراه با مرغی زیبا بر روی آن و رقم «محمد‌های». ۵- یک شاخه گل نرگس زیبا با رقم «محمد‌های». ۶- یک شاخه گل سرخ با رقم «مشق کمترین محمد‌های» (کریم‌زاده تیریزی/۳، ۱۳۷۰، ۱۱۰۱). ۷- یک شاخه گل زنبق با برگ‌های خنجری و رقم «کمترین محمد‌های» محفوظ در مجموعه‌ای خصوصی (شهادی، ۱۳۸۴، ۱۵۱). ۸- دو قطعه نقاشی آبرنگ از یک بوته گل نرگس و نیز گل زنبق با رقم میرزا هادی شیرازی. ۹- یک شاخه شکوفه و مرغ با رقم محمد‌های (آتابای، ۱۳۵۳، ۲۷۶).

۳- میرزا محمد‌های در یک نگاه

در این جستار تلاش شد تا با ارجاع به سه اشاره منابع تصویری و مکتوب درباره میرزا محمد‌های، مذهب و نقاش سده دوازدهم هجری، زندگی هنری وی در حد امکان بازسازی شود.

بر این مبنای، محمدهادی در اوایل دهه چهل سده دوازدهم هجری چشم به جهان گشود، و دوران شاگردی‌اش را نزد علی‌اشرف، نقاش نام‌آور زیرلاکی آن قرن، گذراند و در اواخر دهه پنجاه همراه شاگردان دیگر علی‌اشرف - یعنی محمدصادق و محمدباقر - در فراهم کردن مرقعی برای میرزا مهدی‌خان استرآبادی، منشی دربار نادرشاه، مشارکت کرد و در کنار استادش به تذهیب و تشعیر و نقش‌اندازی جلد این مرقع پرداخت. تاریخ گردآوری این مرقع سال‌های ۱۱۴۷ تا ۱۱۵۱ هجری را در برمی‌گیرد.

محمدهادی همچون استاد و هم‌دوره‌ای‌هایش، در آن دوره از رقمی بهره می‌گرفت که مفهومی دوپهلوی دارد، یعنی از یک طرف مفهومی مذهبی را در برمی‌گیرد و از طرف دیگر به زنجیره استاد - شاگردی او اشاره دارد. دو رقم او با سجع: «هادی از لطف علی‌اشرف شد» و «صنع محمد ز علی اشرف است» که دو نام وی را در خود مضمّن دارد، بار معنایی یادشده را جلوه می‌دهد. گفتنی است که در این دوره نقاشان به منظور اقبال عمومی و مقبولیت آثارشان در بین عامه مردم - به‌ویژه اهل فقه و کلام - رقمی را برای خود برمی‌گزیدند که حاوی مفهومی مذهبی باشد.

به‌نظر می‌رسد که محمدهادی در دوره شاگردی‌اش علاقه‌ای ویژه به تذهیب و تشعیر و گل و مرغ‌سازی نشان می‌داد و تلاش خویش را برای فراگیری آنها متمرکز کرد و بعدها در این قلمرو زبده‌گی و عمدگی یافت. می‌توان گفت که دوران شاگردی و جوانی او در روزگار نادرشاه گذشت و همراه استادش علی‌اشرف از مواهب حمایت هنری میرزا مهدی‌خان استرآبادی، منشی و وقایع‌نویس دربار نادر که علاقه‌ای ویژه به هنرها داشت، برخوردار شد. بهره‌مندی او از حمایت هنری میرزامهدی‌خان از تذهیب و تشعیر مرقع دیگری که امروزه با شماره E.۱۴ در انستیتوی مطالعات شرقی آکادمی روسیه در سن پترزبورگ محفوظ است، نیز معلوم می‌شود.

در این مرقع شماره فراوانی از آثار میرعماد حسنی گردآمده و محمدهادی همراه محمدباقر و محمدصادق پیرامون و حواشی آنها را تذهیب و تشعیر کرده و مهارت و زبده‌گی خود را در این فنون به ثبوت رسانده است. او قطعات خطاطی این مرقع را بین سال‌های ۱۱۶۸ و ۱۱۷۲ هجری تذهیب و تشعیر کرده و جلوه‌های زیبایی از گل‌ها و برگ‌ها و شاخه‌ها و بته را با اصول اسلیمی و ختایی و نقوش هراتی به نمایش درآورده است. او در این آرایه‌ها نهایت هنرمندی و مهارتش را به ظهور رسانده و نمونه کاملی از هنر تذهیب و تشعیر سده دوازدهم هجری را پدید آورده که از بعضی لحاظ با تذهیب و آرایه‌های دوره صفوی متفاوت است.

به‌نظر می‌رسد که محمدهادی از سال ۱۱۷۵ هجری که کریم‌خان زند شیراز را به پایتختی برگزید و به ساخت‌وساز در آن پرداخت، به همراه هم‌دوره‌ای‌هایش - محمدصادق و محمدباقر - به خدمت کریم‌خان درآمد و دوره میان‌سال عمرش را در اجرای پروژه‌های هنری دوره کریم‌خان گذراند. اشاره رستم‌الحکما در کتاب «رستم‌التواریخ» که او را میرزا محمد می‌نامد حاکی از این فعالیت هنری وی در دوره کریم‌خان است و شاید هم اشاره محمدصادق نامی در «تاریخ گیتی‌گشا» مبنی بر اینکه نقاشان شیرین‌کار انواع و اقسام گل‌های رنگین و انواع غنچه‌ها و بته‌ها و ریاحین را در دیوارنگاری‌های عمارت کریم‌خانی همچون دیوانخانه و کلاه‌فرنگی نقش می‌زدند، موقوف به آثار نقاشان و هنرمندانی چون محمدهادی بوده باشد. او احتمالاً در بین سال‌های ۱۱۷۵ تا ۱۱۹۳ هجری (سال‌مرگ کریم‌خان زند) عمدتاً بر روی پروژه‌های هنری کلان دربار کار کرده و بیشتر دیوارنگاری‌های عمارت‌ها را به انجام رسانده است، در حالی‌که هم‌دوره‌ای‌های او محمدصادق و محمدباقر، اجرای نقاشی‌های دیواری این عمارت را بر عهده داشته‌اند.

چنین می‌نماید که محمدصادق پس از مرگ کریم‌خان و تزلزل حکومت زندیان، از دربار کناره گرفته و طبق سلاطین عمومی به‌کار پرداخته و ضمناً به تربیت شماری از شاگردان نیز مشغول شده است. سراغ داریم که هم‌دوره‌های او - محمدصادق و محمدباقر و حتی ابوالحسن مستوفی غفاری - به تدریج به دربار آقا محمدخان قاجار نزدیک شدند و با سفارش او روی پروژه‌های هنری همچون پرده نقاشی‌های عظیم جنگ کرنال و چالدران و مانند آن کار کردند، در حالی که محمدصادق ترجیح داد در شیراز باقی بماند و به فعالیت هنری‌اش در بین مردم ادامه دهد. او در این دوره به مرحله کهن‌سالی وارد شده بود و در بین عامه مردم و هنردوستان در مقام هنرمندی فعل و برجسته و در عین حال پایبند اصول اخلاقی هنرش مقبولیت یافت و به مرتبتی بالا رسید، تا جایی که به قول جیمز ریچ نوعی اشتهار تقدسی یافت. جیمز ریچ او را با یان وان هویسم، گل‌نگار هلندی، برابر می‌نهد و او را هنرمندی می‌شناسد که نمونه جامع هنری عصر خویش است و اعتبار تراز اولی دارد. البته این اعتبار و قداست میرزا محمدصادق در نتیجه مجاهدت سالیان دراز وی در حوزه نقاشی و تذهیب بوده است. شهرت و اعتبار کلان او باعث شده بود که مردم علاوه بر احترام خاص نسبت به وی، آثارش را نیز چون کاغذی زر بخرند و ارزشی درخور برای آن قائل شوند.

اگر فوت میرزا محمدصادق را پس از سال ۱۲۳۶ هجری بدانیم، عمری متجاوز از نود سال داشته و نسبت به هم‌دوره‌های‌اش محمدصادق و محمدباقر چند سالی بیشتر عمر کرده است. او فرزند هنرمندی به نام احمد باقی مانده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. Claudius James Rich

۲. کریم‌زاده تبریزی، محمدصادق را همان شیخ رمزی دانسته که شاعر سده یازدهم هجری است و این اشتباه را به دلیل نام شیخ رمزی که محمدصادق بوده مرتکب شده است. حال آنکه می‌دانیم شیخ رمزی در سال ۱۰۶۸ هجری درگذشته و هیچ‌گونه ربطی با محمدصادق نقاش ندارد (نصرآبادی، ۱/، ۱۳۷۸، ۵۲۸).

فهرست منابع

- آتابای، بدری (۱۳۵۳) فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی، تهران.
- آداموا (۱۲۸۶) نگاره‌های ایرانی گنجینه ارمیتاژ، ترجمه: زهره فیضی، فرهنگستان هنر، تهران.
- ابوالحسن مستوفی (۱۳۶۹) گلشن مراد، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، زرین، تهران.
- خلیلی (۱۳۸۶) کارهای لاک، ترجمه: سودابه رفیعی سخایی، کارنگ، تهران.
- دیبا، لیلا (۱۳۷۴) «نقاشی زیرلاکی»، در فریه، هنرهای ایرانی، ترجمه: پرویز مرزبان، فرزانه روز، تهران.
- رابینسن (۱۳۷۹) «نقاشی ایران در دوره قاجار» در اوج‌های درخشان هنر ایران، ترجمه: روئین پاکباز و هرمز عبدالهی، آگاه، تهران.
- رستم‌الحکما (۱۳۵۳) رستم‌التواریخ، به کوشش محمد مشیری، امیرکبیر، تهران.
- سودآور، ابوالعلا (۱۳۸۰) هنر دربارهای ایران، ترجمه: ناهید محمد شمیرانی، کارنگ، تهران.
- شهدادی، جهانگیر (۱۳۸۴) گل و مرغ، دریچه‌ای بر زیباشناسی ایرانی، کتاب خورشید، تهران.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۰) تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۵، بخش ۳، فردوسی، تهران.
- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۰) احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، جلد ۳، لندن.
- محمدصادق نامی (۱۳۶۳) تاریخ گیتی‌گشا، چاپ سعید نفیسی، تهران.
- نفیسی، نوشین (۱۳۵۲) «میرزا محمدصادق طراح گل‌ها و پرنده‌ها»، هنر و مردم، شماره ۱۲۰، ۲۴-۲۳.

- Akimushkin, O.F. (1994) *The St. Petersburg Muraqqa*, Milan.
- Diba, L. (1978) *Recent Aquisitions*, Tehran.
- Diba, L. (1989) «Persian painting in the eighteen century», *Muqarnas*, 6, 147-160.
- James Rich, Claudius (1836) *Narrative of a Residence ... an Account of a Visit to Shiraz and Persepolis*, II, London.
- Louconine and Ivanov (1996) *Persian Lost Treasure*, USA and London.
- Melikian-chirvani (1977) «objects peints de l'iran», encyclopedic connaissance des arts. *Art Iranian*, 1-4.
- Robinson, B. (1976) *Persian Miniature Painting from Collections in the British Isles*, London.
- Sothbey (1978) 9 October, *Lot.*, 160.

www.art.ac.ir
ART University Journal